

71-43
71-44

پرونده شماره ۷۱

شعبه یک

رای شماره ۲۵-۷۱-۱

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
 دادگاه داری دعاوی ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED

No. 71 71

Date 1361 / 12 / 1
 تاریخ 1 MAR 1983

لیلین بیریدن گریسم،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خواننده.

حکم

DUPLICATE ORIGINAL
 «نسخه برابر اصل»

حاضرین:

آقای ادوارد ر. لهسی،

دارالوکاله استیتو و جانسون،

وکیل خواهان،

آقای اللهیار مسوری،

وکیل خواننده.

همچنین حاضر در جلسه: آقای محمد کریم اشراق، نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای آرتور دبلیو. روائسن، نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا

در ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ خانم لیلین بربیدن گریم ("خواهان") دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") ثبت نموده است، بابت خسارتی بمبلغ ۱,۹۰۰,۰۰۰ دلار که وی ادعا میکند از قتل شوهرش، آقای پیل گریم، در اهواز، ایران بتاريخ ۲۳ نوامبر ۱۹۷۸ ناشی شده است. سپس در ۳ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۳ خرداد ماه ۱۳۶۱) به وسیله لایحه اصلاحیه‌ای خواهان مبلغ ادعای خویش را به ۳,۰۴۰,۰۰۰ دلار بعلاوه بهره، هزینه و حق الزحمه وکیل افزایش داد. از این مبلغ ۲,۰۴۰,۰۰۰ دلار بابت جبران خسارت نفقه وی از شوهرش و ۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار خسارت تنبیهی بابت رنج روانی، فقدان و ناراحتی ناشی از ترور شوهرش می‌باشد. آقای گریم مدیرعامل و مدیرکل شرکت خدمات نفتی ایران (اسکو) بود، شرکتی که در مالکیت کنسرسیومی از شرکتهای نفتی چند ملیتی بوده و بموجب قرارداد فروش و خرید نفت عمل نموده و طبق قرارداد خدمت برای شرکت ملی نفت ایران کار میکرد. خواهان ادعای خویش را بر این استوار میدارد که با دعای وی خواننده در اعمال احتیاط کافی برای حمایت از شوهر او، که بیگانه‌ای در ایران بوده مسئولیت خویش را که بموجب حقوق بین‌الملل ناشی میشود نقض نموده است. خواهان اظهار میدارد که این هیئت داورى نسبت به ادعای مزبور حائز صلاحیت است زیرا خواهان یک تبعه ایالات متحده است و ادعای وی قبل از تنفیذ بیانیه‌های الجزایر ایجاد شده و از اقداماتی که بر حقوقی مالکانه اثر نماید ناشی شده است بهمان طریق که ماده ۲ بند ۱ بیانه حل و فصل دعسای وی ایجاب می‌نماید.

خواننده اساساً "به دودلیل اظهار میدارد که این هیئت داورى فاقد هرگونه صلاحیتی نسبت به ادعای مزبور است. اولاً، خواننده استدلال می‌نماید که ادعای مزبور ازوقایعی ناشی شده است که مربوط به "خسارات وارده به اتباع ایالات متحده یا اموال ایشان که از جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی در ایران ناشی شده باشد" است. و در نتیجه ادعای مزبور بموجب بند ۱۱ بیانیه الجزایر مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ و ماده ۲ بند ۱ بیانه حل و فصل از حدود صلاحیت هیئت داورى خارج شده است. ثانیاً، خواننده همچنین استدلال می‌نماید که ادعای مزبور از "دیون، قراردادهای، سلب مالکیت‌ها یا اقدامات دیگری که در حقوق مالکانه اثر کرده باشد" چنانکه ماده ۲، بند ۱ بیانه حل و فصل دعای وی ایجاب می‌نماید ناشی نشده است.

(۲)

یک مسئله اساسی در این پرونده اینست که آیا قصور ادعائی در حمایت از آقای گریم اقدامی است که "در حقوق مالکانه" خانم گریم "اثر کرده باشد".

شاید امکان پذیرش این باشد که کلمات "اقدامات دیگر" بتوانند فعل و ترک فعل هر دو را در بر گیرند و اینکه "حقوق مالکانه" خانم گریم در این پرونده ایجاد یا درگیر شده است. معذا، تصمیم گیری در شرایط ماده ۲ بند ۱ به اینکجه چنان "حقوق مالکانه ای" با قصور ادعائی در حمایت از آقای گریم مورد تاثیر واقع شده از استنباط طبیعی اوضاع و احوال بعید است زیرا قصور مزبور درست بر جان و سلامت آقای گریم اثر کرده است. حق جبران خسارت، اگر حقی وجود داشته باشد، از قتل مزبور ناشی شده است، و حتی قبل از آن قتل وجود نداشت و نمی توانست با قصور در حمایت مورد اثر قرار گیرد.

بعلاوه، بموجب اصل مشهور *ejusdem generis* (از همان نوع و طبیعت) کلمات "اقدامات دیگر" در ماده ۲، بند ۱ باید، بویژه در مضمون "دیون و قرار - داده"، تفسیر شود چنانکه ذاتا "همانند" سلب مالکیتها "باشد و قصور ادعائی در حمایت بهیچ وجه شبیه سلب مالکیتها نیست.

این نتیجه گیری مضافا "با این واقعیت تاثید میشود که دولت ایالات متحده در پرونده ۴۲۸ نزد شعبه دو این هیئت داورى بنفع تفسیر مشابهی از ماده ۲، بند ۱ بیانیه حل و فصل دعاوی استدلال نموده است، اگرچه در زمینه خیلی کم متفاوتی. در آن پرونده یک تبعه ایرانی ادعای جبران خسارت وارده به کامیونش را نموده بود که توسط نیروهای مسلح ایالات متحده در جریان عملیات نظامی که ظاهرا "بمنظور آزادی ۵۲ تبعه دستگیر شده آن کشور در ایران بود به کامیون مزبور تیراندازی شده و نابود گردیده بود. ایالات متحده در لایحه دفاعیه خویش استدلال نموده بود که اتلاف مال غیر یعنی خسارات ناشی از شبه جرم (tortious character) ذاتا "در حدود اقدامات ذکر شده نمی آید و مورد قصد طرفین بیانیه حل و فصل دعاوی نبوده است که در حدود صلاحیت هیئت داورى قرار گیرد. و شعبه مزبور پرونده را بعلت عدم صلاحیت رد نمود، اگرچه راجع به این مسئله مورد بحث اظهار نظری ننمود.

قضیه حاجی باقریور علیه ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۲ - ۴۲۸ - ۲۳.

بعلاوه هیئت داورى با بین امرعموما " شناخته شده توجه میدهد که شرطی که حدود صلاحیت یک هیئت داورى را تا سیس میکنند باید بنحو مضیق تفسیر گردد .

اگر دولتین قصد نموده بودند که خسارات وارده به بستگان بازمانده در حدود صلاحیت این هیئت داورى آورده شود ، می توان پذیرفت که ایشان امر مزبور را با عبارت صریحی که دارای اثر منظور باشد درج میکردند .

از اینرو ، عبارت بکار رفته در عهدنا مه ادعاهای کلی ایالات متحده و مکزیک و عهدنا مه ادعاهای ویژه ایالات متحده و مکزیک که هر دو بتاريخ ۱۹۲۳ می باشد ، و عبارت بکار رفته در عهدنا مه صلح (برلین) مورخ ۲۵ اوت ۱۹۲۱ بین ایالات متحده و آلمان همسه صریحا " به خسارات وارده به اشخاص اشاره می نماید چنانکه بین خسارات مزبور و خسارات وارده بر اموال تمیز قائل شده اند .

عهدنا مه ای که کمیسیون ادعاهای کلی ایالات متحده و مکزیک را تا سیس می نماید در ماده ۱ مقرر میدارد : " تمام ادعاها ... بابت زیانها یا خسارات وارده بر اشخاص یا اموال ایشان ... باید به کمیسیون اقامه گردد که از سه عضو تشکیل شده تا طبق اصول حقوق بین الملل ، عدالت و انصاف تصمیم بگیرد . " بند مربوط در عهدنا مه ورسای ، که با قید رجوع در عهدنا مه صلح (برلین) گنجانده شده است نیز مقرر میدارد :

می توان بموجب ماده ۲۳۳ فوق نسبت به تمام خسارات مذکور در انواع زیر از آلمان ادعای جبران خسارت نمود :

(۱) خسارات وارده بر اشخاص مجروح و بر بستگان بازمانده که از خسارت بدنی یا مرگ افراد غیرنظامی توسط اعمال جنگی ، منجمله بمبارانها یا دیگر حمله های زمینی ، دریائی یا هوائی ، و تمام نتایج مستقیم آن ، و تمام عملیات جنگی توسط دو گروه متخاصم که در هر مکانی ناشی شده باشد

عهدنا مه ورسای ، قسمت سوم (ضمیمه اول) ، ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ .

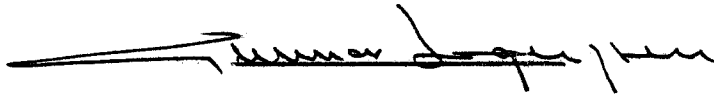
(۳)

بنا بردلائل فوق،

هیئت داورى ادعای خانم گریم را بعلت عدم صلاحیت رد می نماید .

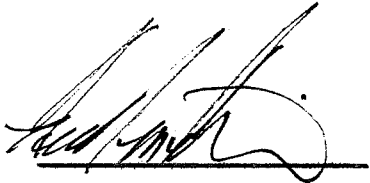
لاهم

به تاریخ ۱۸ فروردین ۱۹۸۳ (۲۹ بهمن ۱۳۶۱)



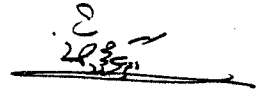
گونار لاگرگرن

رئیس شعبه یک



هوارد م. هولتزمن

(رای مخالف)



محمود م. کاشانی